

۱. جمع مؤنث سالم (ات) فرعى به حرکت

رفع	نصب	جر
تُ	تِ	تِ

توجه : « جمع مؤنث سالم فقط در حالت نصبی إعراب آن فرعى است »

۲. ممنوع من الصرف « غير منصرف » فرعى به حرکت

رفع	نصب	جر
تُ	تِ	تِ

توجه : « ممنوع من الصرف فقط در حالت جری إعراب آن فرعى است »

جمع مؤنث سالم :

مثال در حالت رفعی (إعراب أوصلى) : المؤمناتُ يصبرنَ فى الشدائد ، دخلت الطالباتُ فى الصف ، تلعب الطفلاتُ

مثال در حالت نصبی (إعراب فرعى) : اذفع الصدقات ، الحسناتُ يذهبنَ السيئات ، اعملوا الخيراتِ

مثال در حالت جری (إعراب أوصلى) : قُلْ للمؤمناتِ ، سلّمْتُ على الصديقاتِ

ممنوع من الصرف « غير منصرف » : اسم هايى كه تنوين نمى پذيرند .

۱. اسم (علم مؤنث) : فاطمه ، زينب ، مريم ، نسترن ، مهناز ...

نکته : مؤنث هاي لفظی نیز غير منصرفند : مانند حمزة ، طلحة ، زكرياء ، موسى ، عيسى ...

۲. اسم مذکر (علم غير عربى) يوسف ، فرعون ، يعقوب ، ابراهيم ، يونس ، بهزاد ، بهروز ...

نکته : اسامی پیامبران غير منصرفند به جزء هفت اسم : (محمد، شيث ، صالح ، هود ، نوح ، لوط ، شعيب)

۳. کلماتی كه بر وزن أفعال و فُعلى باشند : أكبر ، كبرى ، أعظم ، عظمى ، أدنى ، دُنيا

۴. کلماتی كه بر وزن أفعال و فَعلاء باشند : أحمر ، حمراء ، أعمى ، عمياء

۵. جمع مكسر بر وزن مفاعل و مفاعيل : مساجد ، مدارس ، محاصيل ، مفاتيح ، صناديق

۶. جمع مكسر ۵ و ۶ حرفی كه حرف سوم آنها الف باشد : أحاديث ، دفاتر ، أكابر ، فوائد ، قواعد

۷. نام شهرها و كشورها : اصفهان ، طهران ، مكة ، مدينة ...

۸. اسم ممدود كه «اء» آن جز حروف زائد باشد : خضرء ، صحراء ، زهراء ، عقلاء ، عاشوراء

نکته : کلماتی مانند ماء ، سماء ، دواء که « اء » جزء حروف اصلی آنها می باشد منصرفند. همچنین مصادری که به « اء » ختم می شوند مانند إنتهاء ، إكتفاء ، إمضاء منصرفند و می توانند تنوین بگیرند .

۹ . اسم های خاص مختوم به « ان » و « ون » : سلمان ، عمران ، هارون ، قارون

۱۰ . صفت هایی که بر وزن «فعالن» هستند : عطشان ، کسلان ، فرحان ، جوعان ، رحمان ، يقظان

غیر منصرف در حالت جری اعراب فرعی دارد اما اگر غیر منصرف ال بگیرد یا مضاف واقع شود اعراب آن اصلی است .

مثال : یصلی الناس فی مساجدِ ، یصلی الناس فی المساجدِ ، یصلی الناس فی مساجدِ المدينةِ

اصلی

اصلی

فرعی

مثال : إصفهان من أجمل المدن فی ایران

اعراب در جمع مؤنث سالم

جمع های سالم مختوم به " ات "

مثل اسم طالبات و کاتبات

نصبشان همواره فرعی می شود

لیک رفع و جرّشان اصلی بود

جای فتحه کسره می گردد بدل

چون " رأیت الطالبات " در مثل

هیچگاه فتحه بر آن ها راه نیست

حالت نصبی و جرّی شان یکیست

اعراب اسم های غیرمنصرف

أحمد و كبرى و نوح و طاهره

مریم و عثمان مساجد قاهره

جملگی هستند غیر منصرف

یا به قول تازیان لا ینصرف

فتح می گیرند در حالات جر

هرگز از کسره در آن نبود اثر

همچنین تنوین بر آنها راه نیست

هر کسی تنوین دهد آگاه نیست

پس بگو " مِنْ أَحْمَدَ " در حال جر

فاقد " ال " یا اضافه بود اگر

پس همین اسماء غیر منصرف

با وجود این دو گردد منصرف